

یاد

از یک

معلم

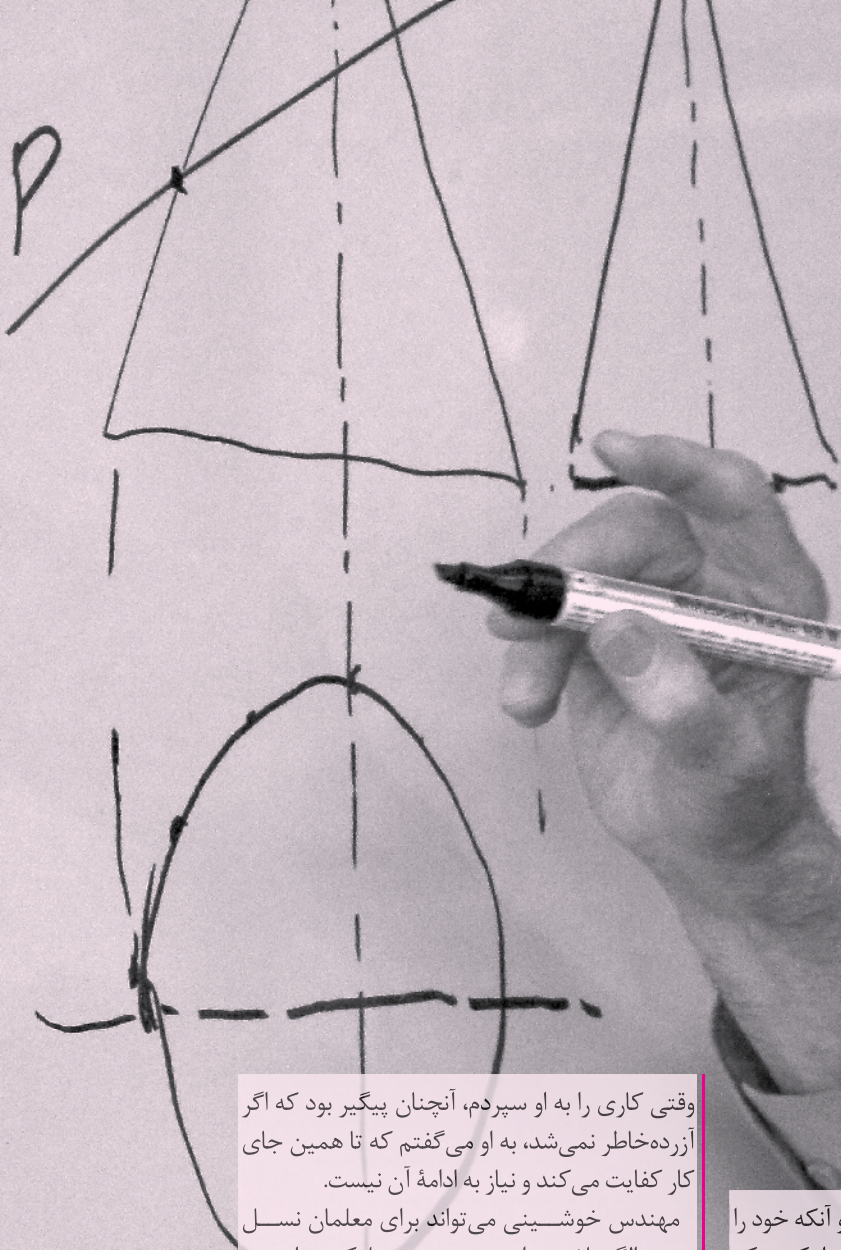
عبادت کردم. به همین دلیل بر خود فرض دیدم در اولین سالگرد وفات این معلم گرامی از او یاد کنم. در نوجوانی که وارد هنرستان شدم، با آنکه رشته تحصیلی ام برق بود و او معلم رشته اتومکانیک بود، اما هر بار که او را در محیط کارگاه و کلاس می دیدم، به عنوان معلمی دلسوز، مربی پر تلاش و هنرآموزی منضبط و یک مربی پر تلاش او را تحسین می کردم. رفتار و آراستگی ظاهر او با روپوش کارگاهی بیش از سایر مربیان بر من تأثیر داشت. او را در مقام معلمی مصداق این کلام

امیرالمؤمنین (ع) می دیدم که فرمودند:

«مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ أَمَامًا فَلْيَدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ» - و لیکن تأدیبه بسیرته قبل تأدیبه بلسانه و مُعَلِّمِ نَفْسِهِ و مؤدبها احق بالاجلال من معلم الناس مؤدبهم.^۱ «آنکه خود را در مرتبه پیشوایی قرار می دهد باید پیش از مؤدب نمودن مردم به مؤدب نمودن خود اقدام کند و پیش از آنکه دیگران را به گفتار ادب نماید

در پاییز سال گذشته، پس از نود سال زندگی پاک، یکی از معلمان پیشکسوت آموزش های فنی و حرفه ای، به نام مهندس عزیز خوشینی، دار فانی را وداع گفت. او هنرآموزی دلسوز و متعهد، کارشناسی دقیق، مؤلفی پرکار و اولین مدیر کل فنی و حرفه ای پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود.

اغلب کسانی که در چند دهه اخیر با هنرستان ها و آموزشکده ها سروکار داشته اند، از دور و نزدیک با این مرد شریف آشنا هستند و در ذهن و یاد آن ها خاطرات خوبی از او به یاد می آورند. من از پنجاه سال، یعنی نیم قرن پیش، با او آشنا بودم؛ از زمانی که تازه هنرجوی هنرستان شده بودم تا زمان فوت او که حتی در ایام بیماری هم چند بار در منزل از او



وقتی کاری را به او سپردم، آنچنان پیگیر بود که اگر آزرده خاطر نمی‌شد، به او می‌گفتم که تا همین جای کار کفایت می‌کند و نیاز به ادامه آن نیست.

مهندس خوشبینی می‌تواند برای معلمان نسل جدید الگو باشد. ادب و حسن سلوک در او موج می‌زد. اگر در کسی عیبی می‌دید، رفتارش مطابق قرآن کریم بود؛ خودستایی و غرور در او راه نداشت و او مسلمانی بی‌ادعا و باورمند بود.

مرحوم مهندس خوشبینی برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای سرمایه و اعتبار محسوب می‌شد، و با رفتنش مربی و همکار خوشنامی را از دست دادیم. با آنکه سال‌ها قبل بازنشسته شده بود، ولی تا توان ایستادن داشت، کار را رها نکرد. تا آنکه بیماری گریبانش را گرفت و آخرین باری که خواستیم تا به مراسمی بیاید که از او تجلیل شود، به علت کسالت نتوانست حضور یابد. او از میان لذات دنیا، لذت معلمی را برگزیده بود و تا آخر عمر آن را رها نکرد. در وصف او باید گفت «عاش سعیدا و مات سعیدا».

دلت به وصل گل ای بلبل چمن خوش باد
که در چمن همه گلبانگ عاشقانه توست

* پی‌نوشت
۱. قصار ۷۳ نهج البلاغه

باید به کردارش مؤدب به آداب کند و آنکه خود را بیاموزد و ادب نماید به تعلیم سزاوارتر است از کسی که فقط دیگران را بیاموزد و تأدیب کند»
او بیش از آنکه به زبان خویش در پی تربیت شاگردان باشد، رفتارش درس‌آموز بود.

من معتقدم او تنها پدر فرزندان خود نبود، بلکه پدر همه آن‌هایی بود که طی سال‌های بسیار معلمی آن‌ها را برگزیده بود. او معلمی نمونه نبود، بلکه نمونه معلم‌ها بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌عنوان مدیر کل آموزش‌های فنی و حرفه‌ای انتخاب شد. این موضوع حکایت از آن دارد که قبل از انقلاب هم فردی موجه و مورد قبول بوده است.

مرحوم مهندس عزیز خوشبینی به معلمی عشق می‌ورزید و با درآمد معلمی هیچ‌گاه آبروی فقر و قناعت را نبرد. عزت نفس او باعث شده بود کمتر گله‌ای از کمی‌ها و کاستی‌ها بر زبان بیاورد. خانه کوچک و ساده‌ او، پس از عمری زحمت و تلاش، گویای سلامت و سادگی او بود. در کارش نظمی ستودنی داشت و در مسئولیت‌پذیری سرآمد همگان بود. به یاد دارم